



نام و نام خانوادگی :

تاریخ :

کلاس : /

املاء تلفیقی

شماره ۱۷

به نام خداوند خوبی ها و زیبایی ها

ما در شهر زیبای یزد زندگی می کنیم. پدرم مهندس است. او می گوید طراحی خانه های مدرن امروزی با خانه های قدیمی بسیار متفاوت است.

دیروز در مورد خطوط چیزهای جالبی آموختیم! خطهای راست جذاب را شناختیم که تا بی نهایت ادامه دارند، اینکه نیم خط ها مانند کوچه های یک طرفه هستند و پاره خط ها که از دو طرف ورود ممنوعند!

مادرم در آشپزخانه غذای مورد علاقه ام را می پخت. خانه چه مدرن باشد و چه قدیمی جایی است که احساس امنیت و آرامش را برایت به ارمغان می آورد.

به اتاقم برگشتم و روی تختم دراز کشیدم. یاد حرفهای امروز آموزگارم در مورد جاذبه ی زمین افتادم. چشمهایم سنگین شدند، ناگهان همه چیز به پرواز در آمد! دفتر، مداد، میز، لیوان و آبی که درون آن بود حتی خودم! نیروی جاذبه ی زمین از بین رفته بود! همه چیز پرواز می کرد! دستی به سرم کشیده شد. اولین چیزی که دیدم مادرم بود. خدایا شکر خواب می دیدم.

به آغوش مادرم پناه بردم. جای امنی که آرامش را برایم به ارمغان می آورد.